

بی شک یکی از مهم ترین عوامل عقب افتادگی جهان اسلام در عصر حاضر را می توان وجود اختلافات در بین فرقه های اسلامی دانست. در این مقاله در پی بررسی آثار این اختلافات نیستیم که خود فرصت و مجال مستقل می طلبد. آنچه ما در این نوشتار در پی آنیم بررسی مهم ترین علل و زمینه های پیدایش فرقه های کلامی گوناگون در میان جامعه اسلامی است؛ این امر می تواند در دستیابی به شناخت کاملی از واقعیت های فرقه های کلامی یاری رسانده، نقش مؤثری بر اندیشه و عمل امروز ما داشته باشد. اکنون برخی از مهم ترین این عوامل و زمینه ها را بررسی می نماییم:

1. اختلاف پیرامون امامت و خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

یکی از اختلافات مهم که خود باعث انشعاب امت اسلامی به فرقه های گوناگون و جدایی شیعه و سنی گردید، اختلاف بر سر مسئله خلافت و امامت بعد از رحلت رسول گرامی اسلام بود. به اعتقاد شیعیان، پیامبر گرامی اسلام که برای تعلیم و هدایت مردم و بیان حقایق احکام اسلامی مبعوث شده بود، در فرصت کوتاه رسالتش، امکان بیان تمام مسائل را نیافت، از این روی لازم بود از سوی خداوند امام معصومی رهبری جامعه اسلامی را در دست گیرد تا ضمن رهبری جامعه اسلامی، به بیان احکام و معارف بپردازد. رسول گرامی اسلام نیز در زمان حیات خویش بارها بر این مسئله تکیه نموده و علی بن ابیطالب را به عنوان جانشین، خلیفه و امام بعد از خویش معرفی نمودند. در مقابل، اهل سنت که اکثریت امت اسلام را تشکیل می دهند، چنین اعتقادی نداشته و معتقدند که جماعت مسلمین خود در پی تعیین و نصب خلیفه برآمدند. عده ای «انصار» را به جهت نصرت حق، پناه دادن و یاری نمودن اسلام، سزاوارتر و عده ای «مهاجرین» را به جهت پیشگامی آنان در پذیرش اسلام اولی به خلافت می دانستند؛ و در این میان عده اندکی خلافت و امامت را منحصر در خاندان پیامبر دانسته، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را شایسته ترین فرد برمی شمردند. در دوره های بعدی خود شیعیان نیز درباره جانشینی ائمه (علیهم السلام) به نزاع برخاستند و فرقه های مختلفی در میان آنان ظهور کرد.

از جمله این فرقه ها می توان از فرقه های ذیل نام برد: فرقه کیسانیه، که قائل به امامت محمد بن حنفیه، پس از امام حسین (علیه السلام) شدند، فرقه خطابییه که قائل به جانشینی ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجدع اسدی پس از امام صادق (علیه السلام) بودند، و فرقه اسماعیلیه که معتقد به امامت اسماعیل بن جعفر پس از پدرش امام صادق (علیه السلام) شدند و...

2. تعصب های عربی، قومی و قبیله ای

یکی از مهم ترین ریشه ها و عوامل اختلاف مسلمین، تعصب های عربی، نژادی و قبیله ای بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم از طریق ایجاد وحدت مدنی بر اساس شاخص های جدید اعتقادی و تقوایی

به مبارزه با آن پرداخته و در اثر همین مبارزات، تا حدودی این تعصب ها در زمان آن حضرت پوشیده گردید، اما بعد از رحلت آن حضرت دوباره جان گرفت و موجب اختلاف امت گردید. نقل شده است زمانی که مسیلمه کذاب ادعای پیامبری نمود و تعدادی را به گرد خود جمع کرد، بعضی از پیروان او می گفتند: ما به درستی می دانیم که محمد (صلی الله علیه و آله) صادق و مسیلمه کاذب است ولی کاذبی که از قبیله ما (ربیعیه) باشد بهتر است از راستگویی که از ما نباشد. یکی از عوامل و ریشه های منازعات بر سر مسئله خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که بلافاصله پس از رحلت آن حضرت صورت گرفت، همین تعصب های قومی و قبیله ای بود. بعدها خلفای اموی آتش این تعصب را بیشتر برافروختند. و اساسا یکی از عوامل اختلاف و دشمنی های همیشگی امویان در مقابل هاشمیان را می توان همین امر دانست. همچنین تعصب عربی در رواج خوارج نیز اثر داشت، زیرا قبائل ربیعیه به خوارج پیوستند و در مقابل قبائل مضریه در برابر آنان قرار گرفتند و نزاع بین این دو در دوران جاهلی معروف بود.

3. حب ریاست و مقام

مقام طلبی از نمونه های روشن و آشکار هواهای نفسانی است که در طول تاریخ عامل مهمی در ایجاد اختلاف و نزاع در میان مسلمانان گردیده است. در این گونه نزاع ها بحث بر این نیست که چه کسی بر حق است، بلکه هدف کسب قدرت و چیره شدن بر خصم است. و زمانی که هدف قدرت باشد، از تمام امور حتی عقاید دینی و مذهبی و متون مقدس و... برای توجیه و تأیید اعمال و رفتار استفاده می شود. در جای جای تاریخ امت اسلامی می توان نمونه های متعددی را یافت که حاکمان نالایق در اثر همین عامل، زمام امور را در دست گرفته و موجب اختلافات گسترده ای در جامعه اسلامی شده اند.

4. حکومت ها و سیاست ها

با نگاهی گذرا به تاریخ می توان آشکارا به این مطلب پی برد که برخی از سیاست مداران و حاکمان در پی حفظ مصالح سیاسی خود به تقویت و یا ایجاد فرقه هایی می پرداختند تا بدین وسیله پشتوانه فکری و مذهبی برای خود ایجاد کرده و یا در میان مخالفین خود اختلاف انداخته و یا آنان را بدنام نمایند. فرقه «سبأیه» را می توان نمونه ای از این دست برشمرد. همچنین فقه «کیسانیه» فرقه ای است که با هدف ضربه زدن به شیعیان و بدنام کردن آنان توسط بنی امیه و بنی عباس ایجاد و حمایت شد. بنی عباس برای مستند کردن کیسانیه حکایت ها و روایات زیادی را جعل نمودند که با اندکی دقت فقدان سند و تناقض های فراوان این روایات آشکار می شود. همچنین آنان برخی از حوادث را به نفع خود محو و یا تحریف می نمودند. به عنوان مثال بعضی از کتب تاریخی زمانی که می خواهند ذکر از وقایع زمان فتحعلی شاه بنمایند، می گویند «در ذکر جهان گشایی خاقان فتحعلی شاه»، در حالی که او بسیاری از شهرهای ایران را از دست داد. این گونه دروغ نویسی ها و تحریف ها در طول تاریخ (به خصوص در مواردی که با مسائل دینی و اعتقادی در ارتباط بوده است) موجب سوء برداشت های فراوان گشته و زمینه ای برای به وجود آمدن اختلافات در میان مسلمین گشته است.

5. نحوه زبان قرآن

یکی از علل پیدایش فرقه های کلامی نحوه زبان قرآن است؛ زبان قرآن، در برخی از موارد زبان فیصله بخش نیست. وجود آیات متشابه در قرآن و عدم فهم دقیق آنان، که در مواردی به ظاهر با یکدیگر متضادند، خود عاملی برای اختلافات کلامی و ارائه تفسیرهای متفاوت گردیده است. به عنوان مثال: آیاتی که پیرامون «تقدیر و آزادی انسان» و یا آیاتی که درباره «تشبیه و تنزیه» وارد شده است، خود موجب بحث های کلامی و پیدایش فرقه های گوناگون گردیده است. عده ای در مقابل این آیات سکوت نموده و عده ای دیگر با بحث های عقلی و به کاربردن روش های قیاسی که در فقه به کار برده می شد سعی در توجیه آیات متشابه می نمودند. اختلاف های متعددی را در حوزه فقه اسلامی در میان اهل سنت و شیعیان می توان یافت که منشأ آن همین نحوه زبان قرآن و اختلاف در معنا و برداشت از آیات قرآن است. به عنوان مثال می توان از اختلافاتی که در معنای کلمه «قروء» در آیه شریفه «والمطلقات یَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...» در میان فقهای اسلامی وجود دارد، اشاره نمود.

6. ارتباط با دیگر ادیان، به ویژه نوکیشی اسلامی

بسیاری از پیروان ادیان و مذاهب قبل از اسلام، با آنکه اسلام را پذیرفته و مسلمان شده بودند، اما هنوز رسوبات عقاید آن ادیان را در ذهن خود داشتند و عقاید و مسائل اسلامی را نیز با همان دید تجزیه و تحلیل می نمودند. مسائلی چون «جبر و اختیار»، «ذات و صفات خداوند» و... کسان دیگری نیز بودند که در حقیقت ایمان نیاورده و تنها زمانی که منافع خود را در خطر دیدند، به ظاهر آورده، با گسترش مطالب باطل قصد تحریف دین را داشتند. این امر موجب رواج اسرائیلیات و معتقدات غیر اسلامی در بین مسلمین گردیده و خود موجب اختلاف امت گردید.

شهرستانی در این مورد می نویسد: «بسیاری از یهودیانی که به ظاهر اسلام آورده بودند احادیث بسیاری در مورد تجسم و تشبیه از تورات نقل کرده اند از جمله این افراد کعب الاحبار، وهب من منبه الیمانی، تمیم بن اوس و... می باشند».

7. نهضت ترجمه

با گسترش سرزمین های اسلامی و ورود مراکز علمی و فرهنگی در محدوده حکومت اسلامی، حاکمان و خلفای اموی و به خصوص عباسی به علل متعددی افراد زیادی را تشویق و ترغیب به ترجمه کتب علمی این مراکز می نمودند و به این صورت مسلمانان با فلسفه یونانی و نو افلاطونی اسکندرانی آشنا گردیدند. ورود بعضی از بحث های فلسفی چون «کون و ماده» و «ماوراء الطبیعه محسوس» و شبهات فکری گوناگون به جهان اسلام خود باعث اختلافاتی در جهان اسلام گردید تا جایی که برخی از علمای اسلامی راه بعضی از فلاسفه گذشته را در پیش گرفته و در دوران عباسی گروه های شک گرا که عقاید سوفسطائیان را داشتند، به وجود آمد. از آنجا که در آن زمان برخی از مسلمانان هنوز معتقدات دینی خود را بر پایه های مباحث عقلی آن چنان که باید، استوار ننموده بودند، در اثر برخورد با علوم بیگانه و شبهات مختلف، با تقدم عقل بر آنچه تاکنون بی چون و چرا پذیرفته بودند، از فطرت نخستین و ایمان ساده خود خارج شده و به معتقدات اسلام کم اعتقاد گشتند. از این زمان به بعد، علمای اسلامی نیز سعی نمودند با تکیه بر روش های فلسفی و عقلی، عقاید اسلامی را به اثبات برسانند و این

خود آغاز بحث های گسترده و ایجاد اختلافاتی چون دعوای معتزله با دیگران گردید.

8. اختلاف استعدادها و سلیقه ها

بدیهی است که انسان ها از جهت استعداد و توان فهم و درک، همگی در یک سطح قرار ندارند؛ عده ای دارای قدرت و توانایی بالا در فهمیدن و رسیدن به حقایق بوده و با تیزهوشی ها و دقت نظرهای عالمانه خویش این راه را طی می کنند. عده ای دیگر با آن که در دستیابی به حق راه طولانی را طی نموده اند اما توان رسیدن و فهم کنه و ذات حق را آنچنان که باید نداشته اند، و عده ای دیگر آنچنان اوهام و خیالات بر آنان مستولی گشته که آنان را از دستیابی به واقعیات و درک آن ها باز داشته است و کند ذهنی و قلب های بسته اینان مانع پیمودن این راه گشته است. این اختلاف سطوح خود باعث اختلاف عقائد و نظریات شده و عامل و زمینه ای برای ایجاد فرقه های گوناگون گردیده است.

9. سابقه فرهنگی

سابقه فرهنگی، افکار، اعتقادات و روحیات متفاوت افراد هر سرزمین می تواند بستر و زمینه ای باشد جهت رشد و گسترش فرقه، تفکر و یا مذهبی خاص. بی شک رشد تشیع در ایران دارای بستر و زمینه مناسب بوده است. روحیه عدالت طلبی، عقل گرایی، وجود عناصری همچون بحث فرشته شناسی که در دین زردشت آمده شده بود و... می توانست زمینه ساز این امر باشد. «منگری وات» در کتاب خویش با بیان فرضیه ای در پی بررسی سابقه فرهنگی دو گروه «شیعیان» و «خوارج» و تأثیر آن بر آراء و عقایدشان برآمده و سعی نموده ثابت نماید که سابقه فرهنگی، عقاید و روحیات منطقه ای و قبیله ای افراد و قبایل در گرایش آنان به تشیع و خوارج مؤثر بوده است.

10. دوستی ها و دشمنی ها

دوستی ها و دشمنی های افراطی معمولاً انسان ها را از دستیابی به حقایق باز می دارد. طبیعت انسان به گونه ای است که اگر به امری محبت فراوانی داشته باشد، این بحث موجب آن می گردد که عیوب، زشتی ها و نقاط ضعف آن امر را ندیده، آن را بی عیب و نقص بیندارد، همچنین دشمنی و نفرت از امری مانع دیدن خوبی ها و نقاط مثبت آن می گردد. در روایت شریفه داریم: «حب الشیء یعمی و یصم» و همچنین در کلام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آمده است: «من عشق شیئاً أعضی بصره». در طول تاریخ چه بسیار افرادی که محبت ها و نفرت های آنان مانع دستیابی شان به حق گردیده، نتوانسته اند حقایق را آنچنان که باید درک نمایند. و این امر خود عاملی برای جدایی افکار و اختلاف عقاید نظریات گردیده است.

11. ناقص دیدن تاریخ

عدم جامع نگری و یا عدم آشنایی با تمام جوانب یک جریان و یا حادثه تاریخی، در بسیاری از موارد باعث می شود که داور و قضاوت صحیحی پیرامون آن امر صورت نگیرد، زیرا در بسیاری از امور، بعضی اجزاء آن نمایانگر کل آن امر نیست و حتی گاه تصویری بر خلاف آن ارائه می نماید. باید توجه داشت که تاریخ همه آنچه بوده است

را برای ما نقل ننموده است و ما در بسیاری از حادثه های تاریخی جنبه هایی از آن را نمی دانیم. این عدم جامع نگری و قضاوت های ناصحیح گاه موجب اختلافات و تنازعاتی گردیده است. تذکر این نکته ضروری است که بسیاری از تاریخ نویسان، تاریخ خود را از منظر و دید خود و به منظور خاصی نگاشته اند، آنان حوادث تاریخی را بر اساس بینش خویش تحلیل و انتخاب می نمودند.

12. قصه گویی

قصه گویی در زمان خلیفه سوم آشکار شد، و از آنجا که قصه گوینان خرافات و اساطیر را در اذهان وارد می نمودند، امام علی (علیه السلام) از این امر کراهت داشت و آنان را از مسجد بیرون راند ولی این امر در زمان اموی گسترش یافت تا جایی که بسیاری از این قصه های غیر واقعی باعث ورود اسرائیلیات در کتب تفسیر و تاریخ اسلام شد و زمینه را برای بروز اختلاف بین مسلمین ایجاد نمود.

13. اختلاف نسخ و کتابت

از آنجا که تعالیم و عقاید مسلمانان برگرفته از قرآن کریم و روایات شریفه می باشد و افکار، عقاید و اعمال خود را بر طبق آن تنظیم می نمایند، هر گونه عدم هماهنگی در نسخ و کتابت این دو متن مقدس می تواند موجب اختلاف در میان آنان گردد. البته این امر اختصاص به متون مقدس ندارد بلکه در گذشته تکرر هر متنی از طریق استنساخ صورت می گرفته است و کافی است با از قلم افتادن تنها یک علامت نفی معنی به طور کلی تغییر یابد.

14. منع و جلوگیری از تدوین و نشر احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله)

با آنکه ضرورت حفظ و نشر احادیث رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) امری عقلی و مسلم بود و حتی خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بارها بر این امر تأکید نموده بودند، متأسفانه نه تنها این امر آنچنان که باید صورت نپذیرفت، بلکه پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این امر ممانعت شد و زمینه را برای جعل و تحریف احادیث و همچنین نشر افکار یهودی و مسیحی و در نهایت ایجاد اختلاف در بین مسلمانان، آماده نمود. البته کوتاهی ها و عدم انگیزه مسلمانان برای جمع آوری و گسترش احادیث نیز در این امر تأثیر عمده ای داشت.

با مطالعه و بررسی آنچه به عنوان عوامل ایجاد اختلاف در میان امت اسلام ذکر شد درخواهیم یافت که میزان تأثیر این عوامل در ایجاد اختلاف در بین مسلمانان و شکل گیری گروه ها و فرقه های کلامی و مذهبی به یک اندازه نبوده است؛ بعضی از این عوامل تنها زمینه را برای تفاوت دیدگاه ها و افکار ایجاد نموده و بعضی اثر فزون تری را داشته است. در این میان، یکی از مهم ترین و اساسی ترین این عوامل را می توان اختلاف امت اسلام پیرامون خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامت و رهبری امت اسلامی دانست؛ اگر این امر نمی بود و امت بر آنچه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) تعیین کرده بودند اتفاق نظر داشته و اهل بیت (علیهم السلام) رهبری فکری و عملی و هدایت امت اسلام را در دست می گرفتند، عوامل دیگر هرگز موجب شکاف و اختلافات اساسی در میان امت نمی گشت.

نکته دیگر آن که، نمی توان تمام عوامل مذکور را ذاتاً امور منفی دانست؛ زمانی که رهبران امت اسلام، مسلمانان را به فراگیری علوم، تفکر و اثبات عقلی عقاید و اصول دین تشویق نموده و بر این امر بسیار سفارش کرده اند و با

توجه به یک سطح نبودن قدرت تفکر، اندیشه و ذکاوت افراد، ایجاد اختلاف دیدگاه ها امری طبیعی است و نمی توان انتظار داشت تمام انسان ها به یک نحوه تفکر نمایند و به نتیجه واحدی برسند.

پی نوشت ها :

1. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 8، چاپ اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، 1377 ش، مقاله سیر اندیشه های کلامی در تاریخ اسلام، احمد پاکنچی، ص 419 و تاریخ المذاهب الاسلامیه، محمد ابوزهره، ص 13، قاهره، دارالفکر العربی.
2. تاریخ فلسفه در جهان اسلام، حنا الفاخوری و خلیل الجر، ج 2، ص 167، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1373 ش.
3. تاریخ المذاهب الاسلامیه، محمد ابوزهره، ص 266-262، قاهره، دارالفکر العربی و مقالات اسلامیه اشعری، ابوالحسن، ج 1، ص 90.
4. تاریخ الجدل، محمد ابوزهره، ص 77، چاپ اول، قاهره، دارالفکر العربی، بی تا.
5. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص 13.
6. همان، ص 12 و 13.
7. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص 10.
8. مذاهب ابندعتها السیاسه فی الاسلام، عبدالواحد انصاری، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت، ص 37-36.
9. فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، چاپ اول، قم، انتشارات صدرا، 1369 ش، ج 1، ص 14 و 5.
10. همان، ص 15 و فلسفه علم کلام، هری اوسترین ولفسن، مترجم احمد آرام، ص 9 و 10، چاپ اول، تهران، انتشارات الهدی، 1368 ش.
11. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص و فلسفه علم کلام، پیشین، ص
12. فلسفه علم کلام، پیشین، ص 16.
13. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص 271.
14. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص 13 و 14 و فلسفه علم کلام، پیشین، ص 64-69.
15. بحوث فی المل و النحل، جعفر السبحانی، ج 1، ص 77، قم، لجنة اداره الحوزه العلمیه بقم المقدسه، 1371 ش.
16. تاریخ فلسفه در جهان اسلام، پیشین، ص 343 و دائره المعارف بزرگ اسلامی، پیشین، ص 425.
17. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص 14.
18. همان، ص 9 و 10.
19. ترجمه نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، چاپ هفتم، نشر مشرقین، 1379، خ 109، شماره 14.
20. تاریخ المذاهب الاسلامیه، پیشین، ص 15.
21. بحوث فی الملل و النحل، پیشین، ص 60.